



## گزارش کتاب «الرد علی الوهابیه فی القرن التاسع عشر نصوص الغرب الإسلامي نموذجاً»

توفیق البوغییش\*

### معرفی و ساختار کتاب

این اثر پژوهشی حاصل تلاش «حمادی الریدیسی» و «اسماء نویره»، استادان علوم سیاسی اهل تونس است. این دو محقق دو کتاب با عناوین و تاریخ‌های متفاوت منتشر کرده‌اند: الرد علی الوهابیه فی القرن التاسع عشر (۲۰۰۸) و الرد علی الوهابیه نصوص الشرق الإسلامی (۲۰۱۲). گزارش حاضر متمرکز بر کتاب نخست است.

### مشخصات نشر

کتاب اصلی در ۳۳۶ صفحه به زبان عربی توسط «دارالطلیعه بیروت» منتشر شده است. بخشی از این اثر با عنوان بدعت‌گذاران شرقی، توسط کاظم حاتمی طبری ترجمه و در سال ۱۳۹۵ (۲۰۸ صفحه) توسط انتشارات مشعر به فارسی عرضه شده است.

### ساختار و محتوا

کتاب در دو بخش اصلی تنظیم شده است:

بخش اول (الدراسة): تحلیلی علمی بر مکاتبات میان وهابیان و علمای جهان اسلام

است که شامل یک مقدمه و پنج فصل است:

۱. رسائل أسلم تسلّم: بررسی مکاتبات اولیه.

۲. الوهابیة: تحلیل ماهیت این جریان.

---

\* پژوهشگر نقد وهابیت مؤسسه سراج منیر توحید.  
tofighalboghbeish@gmail.com

۳. ردود علماء تونس والمغرب على الوهابية: واکاوی پاسخ‌های علمای مغرب اسلامی.

۴. الردود على الوهابية في العالم الاسلامي: بررسی گستره ردیه‌ها در سایر نقاط جهان اسلام.

۵. الرهانات العقائدية: بررسی چالش‌های کلامی و عقیدتی.

بخش دوم (اسناد): اختصاص به متون مستند دارد. در این بخش، ابتدا نوشته‌های «محمد بن عبدالوهاب» و سپس پاسخ‌های تفکیک‌شده علمای تونس و مغرب به آن‌ها ارائه شده است.

### تحلیل و رویکرد «بخش نخست» (الدراسة)

نویسندگان در مقدمه تحلیلی بخش اول، ضمن بررسی شیوه نگارش و ارسال مکاتبات وهابیان، تصریح می‌کنند که لحن نامه‌های «سعود بن عبدالعزيز» به مسلمانان مغرب، نه با منطق «امت واحده»، بلکه مشابه خطاب به «کفار حربی» است.

### محورهای اصلی تحلیل

طبقه‌بندی ردیه‌ها: تمرکز کتاب بر بازخوانی ردیه‌های قرن نوزدهم در دو سطح است: ردیه‌های عمومی: بازتاب‌دهنده‌ی مخالفت فراگیر علمای اهل سنت از شرق تا غرب جهان اسلام.

ردیه‌های خاص: شامل پاسخ‌های مکتوب علمای مغرب و تونس (اعم از آثار نایاب یا نسخه‌های خطی منتشر نشده).

خلاف پژوهشی: مؤلفان بر این نکته تأکید دارند که برخلاف گردآوری آثار محمد بن عبدالوهاب (از ۱۹۷۷ میلادی)، پاسخ‌های علمی مخالفان تاکنون به صورت منسجم تدوین نشده است. در این راستا، نقش پیشگام علمای مغرب و تونس در پاسخ‌دهی مکتوب و علمی، در مقایسه با سایر نقاط جهان اسلام (که غالباً به واکنش‌های محدود یا اقدامات نظامی بسنده کردند)، برجسته شده است. تنها استثنای شاخص از سوی

علمای شیعه، اثر شیخ «جعفر کاشف الغطاء» (پس از حملات وهابیان به کربلا) معرفی شده است.

رویکرد جامعه‌شناختی: این اثر با تکیه بر تحلیل‌های جامعه‌شناسی دینی، مفاهیمی چون بازتعریف «ایمان، کفر و جهاد» و پشته‌های نظری این جریان تکفیری را واکاوی می‌کند. نسبت میان «سنت‌گرایی، روشنفکری» و مفاهیم «شورش و اطاعت»، از دیگر محورهای اصلی بحث است.

در نهایت، این بخش با تبیین تاریخ شکل‌گیری وهابیت و بررسی نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های مغرب و تونس، چارچوبی برای درک عمیق‌تر بستر تاریخی و فرهنگی مخالفت‌های فکری با این جریان فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

## فصل اول: «رسائل أسلم تسلم»<sup>۲</sup>

این فصل به تحلیل مکاتبات اولیه وهابیت با مناطق مختلف جهان اسلام می‌پردازد و در دو بخش «مغرب اسلامی» و «مشرق اسلامی» تدوین شده است.

### ۱. مغرب اسلامی (تونس و مغرب)

نویسندگان با بررسی اسناد «کتابخانه ملی تونس»، چهار نسخه خطی منسوب به محمد بن عبدالوهاب را شناسایی کرده‌اند که سه متن اصلی آن شامل «کشف الشبهات»، «ورقة الوهابی» و «رسالة القاهرة» است. نکته قابل توجه این است که با وجود شهرت «کتاب التوحید»، علمای مغرب و تونس هیچ واکنشی به آن نداشته‌اند و تمرکز اصلی آن‌ها بر رد «کشف الشبهات» و «ورقة الوهابی» بوده است. همچنین نویسندگان تردید دارند که برخی از این متون مستقیماً توسط محمد بن عبدالوهاب نگاشته شده باشد و آن‌ها را بیشتر منتسب به دوران «سعود بن عبدالعزيز» می‌دانند.<sup>۳</sup>

۱. ص ۱۲-۷.

۲. نامه‌های اسلام بیاورید تا در امان باشید.

۳. ص ۱۸-۱۳.

## ۲. مشرق اسلامی

برخلاف تصور، دایرهٔ مراسلات وهابیان فراتر از قلمرو عثمانی بود و چهره‌ها و مناطق مهمی، چون «شیخ جعفر کاشف‌الغطاء در نجف»، «سلیمان پاشا در بغداد»، «حاکم فارس» و «امام یمن» را در بر می‌گرفت. در این بخش، واکنش‌های متنوعی به این نامه‌ها دیده می‌شود؛ از پاسخ علمی و مستدل کاشف‌الغطاء در منهاج الرشاد گرفته تا نقد سلیمان پاشا بر کتاب التوحید و لشکرکشی‌های عثمانی به دمشق. همچنین اعزام هیئت‌های تبلیغی به یمن، نشان‌دهندهٔ گسترهٔ تلاش‌های وهابیت برای ترویج ایدئولوژی خود در آن دوره است که در نهایت با لشکرکشی محمدعلی پاشا در ۱۸۱۱م و سقوط حکومت نخست وهابی به پایان رسید.<sup>۱</sup>

## فصل دوم

این فصل به تاریخ و خاستگاه وهابیت (تحلیل تحولات سیاسی و اجتماعی دوران ظهور وهابیت) در قرن هجده و نوزدهم میلادی می‌پردازد: در ابتدا به تحول کاربرد واژهٔ «وهابی» اشاره می‌شود و واژه‌ای که ابتدا توسط منتقدان (از جمله سلیمان بن عبدالوهاب، برادر مؤسس این جریان) به عنوان عنوانی تحقیرآمیز به کار رفت، اما بعدها توسط پیروان این جریان پذیرفته شد و به نامی برای ابراز هویت بدل شد.<sup>۲</sup>

با تکیه بر تحلیل‌های مردم‌شناختی (برخلاف منابع سنتی که شرایط قبل از وهابیت را بحرانی و حضور محمد بن عبدالوهاب را «نجات‌بخش» می‌خوانند)، نویسندگان معتقدند نبود قدرت مرکزی و ساختار قبیله‌ای نجد، مهم‌ترین عوامل موفقیت و نفوذ این دعوت بوده است.<sup>۳</sup>

مؤلفان کتاب در ادامهٔ این فصل با رویکردی انتقادی، به «میثاق نجد» (اتحاد محمد

۱. ص ۲۶-۲۴.

۲. ص ۲۸.

۳. ص ۳۲-۲۹.

بن عبدالوهاب و محمد بن سعود) می‌پردازند. آن‌ها با استناد به منابعی، چون لمع الشهاب و دیدگاه‌های زینی دحلان، این پیمان را نقطه آغازین ماهیت سیاسی این جریان می‌دانند.<sup>۱</sup>

در بخش پایانی این فصل به ابعاد خشونت‌بار این جریان در قالب جهاد پرداخته شده است. وقایعی همچون حمله به کربلا (۱۸۰۱م)، قتل عام مردم، تخریب بارگاه امام حسین (ع) و اماکن مقدسی، همچون خانه حضرت خدیجه (ع) و همچنین غارت‌های تاریخی، به‌عنوان نشانه‌هایی از ماهیت خشن وهابیت در دوره نخست معرفی شده‌اند.<sup>۲</sup>

## فصل سوم

این فصل به بررسی ردیه‌ها و واکنش‌های علمای تونس و مغرب علیه وهابیت می‌پردازد و نشان می‌دهد که مخالفت با این جریان، بر پایه تحلیل‌های علمی، فقهی و تاریخی شکل گرفته است.

نویسندگان کتاب در تونس به آرای دو فقیه مالکی، شیخ عمر المحجوب و شاگردش شیخ اسماعیل تمیمی، می‌پردازند. رساله‌های این دو عالم در رد وهابیت، نشان‌دهنده آشنایی دقیق آنان با متون و تبلیغات این جریان است.<sup>۳</sup> همچنین با بررسی شرایط دوره حموده پاشا و نقش علما، به‌عنوان واسطه میان مردم و حکومت، نویسندگان نتیجه می‌گیرند که نفوذ وهابیت در تونس بسیار محدود بوده است و بیشتر تحولات دینی آن منطقه ریشه در عوامل محلی و فقهی داشته است، نه تأثیر مستقیم وهابیت. ساختار مذهبی مبتنی بر تصوف نیز از موانع اصلی گسترش این جریان در تونس بوده است.<sup>۴</sup>

در بخش دوم این فصل به پاسخ‌های علمی علمای مغرب پرداخته شده است که از نظر تعداد، انگیزه و زمان نگارش با تونس تفاوت دارد. از مهم‌ترین این آثار می‌توان به

۱. ص ۴۴-۳۳.

۲. ص ۵۱-۴۴.

۳. ص ۵۴.

۴. ص ۶۲-۵۴.

رساله‌های ابن کیران، البنانی و یک نویسنده ناشناس اشاره کرد.<sup>۱</sup> نویسندگان همچنین ادعای گرایش محمد ثالث و مولی سلیمان به وهابیت را رد می‌کنند و می‌گویند اقدامات آنان بیشتر ناشی از سیاست‌ورزی یا مبانی فقهی مالکی بوده است، نه پذیرش عقاید وهابی.<sup>۲</sup>

در مجموع، این فصل نشان می‌دهد که واکنش تونس و مغرب به وهابیت، متأثر از شرایط مذهبی، سیاسی و اجتماعی خاص هر منطقه بوده است و نفوذ واقعی وهابیت در این دو حوزه محدود مانده است.

### فصل چهارم: گستره رديه‌های جهانی علیه وهابیت<sup>۳</sup>

این فصل به بررسی واکنش‌های علمی در نقاط مختلف جهان اسلام (۱۷۴۵ تا ۱۸۱۸ م) می‌پردازد:

در جزیره‌العرب: نویسندگان به نقش علمای مکه و حجاز در مقاومت علمی در برابر وهابیت اشاره می‌کنند و از چهره‌هایی چون «زینی دحلان» نام می‌برند.<sup>۴</sup> در عراق: گزارش نویسندگان نشان می‌دهد که چگونه علمای بصره و نجف با تألیف آثار مستقل (مانند آثار «احمد بن علی بصری قبانى» و «کاشف الغطاء»)، به مقابله با تکفیرهای وهابی پرداختند.<sup>۵</sup>

در یمن: نویسندگان با بررسی ریشه‌های تنش میان علمای یمن و وهابیت، عوامل اصلی این برخورد را در سه محور خلاصه می‌کنند: مکاتبات و نامه‌نگاری‌های وهابی‌ان، اعزام هیئت‌های تبلیغی (در سال‌های ۱۸۰۸، ۱۸۰۹ و ۱۸۱۲ م) و در نهایت، حملات نظامی به مناطق مختلف یمن. طبق گزارش نویسندگان، یکی از محرک‌های اصلی مقاومت جامعه زیدی، دعوت وهابی‌ان به تخریب قبور بود که با توجه به جایگاه ویژه

۱. ص ۶۲.

۲. ص ۷۲-۶۶.

۳. ص ۹۳-۷۳.

۴. ص ۷۴-۸۲.

۵. ص ۸۷-۸۲.

امامان و علما در این جامعه، با واکنش تند و قاطع مواجه شد. مؤلفان کتاب با بررسی مواضع مختلف علمای این منطقه، نشان می‌دهند که اگرچه در ابتدا برخی از آن‌ها با این جریان همراه بودند، اما در نهایت اکثریت با آن مخالفت کردند.<sup>۱</sup>

محمد بن اسماعیل، امیر صنعا، در سال ۱۷۴۷م با تألیف تطهیر الاعتقاد از دعوت محمد بن عبدالوهاب حمایت کرد، اما خود بعدها در سروده‌ای به تندروی‌های این جریان اشاره کرد. نویسندگان کتاب از چهره‌های برجسته‌ای، همچون حسین بن مهدی نعیمی، نویسنده معارج الالباب و محمد بن علی شوکانی، به‌عنوان مخالفان افراط‌گرایی نام می‌برند؛ تأکید آن‌ها بر این است که شوکانی، علی‌رغم برداشت‌های مختلف از آثارش، همواره به عنوان یک عالم زیدی از هرگونه افراط دوری جست.<sup>۲</sup>

مؤلفان کتاب در ادامه، از علوی بن احمد حدّاد، فقیه شافعی‌مذهب، یاد می‌کنند که در دو کتاب مصباح الأنام و السیف الباتر به نقد وهابیت پرداخته است. در مقابل سلیمان بن سحمان اثری در پاسخ به او نوشته است. نویسندگان همچنین از آثاری، مانند الهندی و لفحات الوجد اثر عبدالله بن عیسی کوکبانی و محسن اسحاق نام می‌برند.<sup>۳</sup> در مجموع، گزارش نویسندگان تأکید می‌کند که بخش اعظم علمای یمن، وهابیت را جریانی بدعت‌آمیز تلقی و در برابر آن موضع‌گیری کرده‌اند.

در هند: مؤلفان وضعیت مسلمانان هند را در دوران ظهور وهابیت تحلیل می‌کنند و به یک نکته کلیدی اشاره دارند: هم‌زمانی تحركات اصلاحی در هند با فعالیت‌های وهابیان، باعث شده است تا دولت استعمارگر بریتانیا، بسیاری از جنبش‌های اسلامی هند را به اشتباه به وهابیت منسوب کند. در این راستا، نویسندگان به کتاب الحركة الوهابية فی الهند اثر قیام‌الدین احمد اشاره می‌کنند که تمام تحركات اسلامی هند را تحت لوای وهابیت قرار داده است؛ دیدگاهی که طبق گزارش پژوهشگران، مورد پذیرش گسترده

۱. ص ۸۷-۹۰.

۲. ص ۸۹-۸۷.

۳. ص ۸۹.

علمی قرار نگرفته است.<sup>۱</sup>

چهره‌های کلیدی در هند: کتاب در تبیین تفاوت میان اصلاح‌گری و وهابیت، به شخصیت‌های برجسته‌ای می‌پردازد:

شاه ولی‌الله دهلوی: به عنوان یک اصلاح‌طلب معرفی شده است که علی‌رغم رویکرد اصلاحی، هیچ‌گرایشی به وهابیت نداشته است.<sup>۲</sup>

سید احمد شهید: شاگرد وی که به‌عنوان چهره‌ای فعال در اصلاح دینی و مبارزه با استعمار یاد می‌شود.

کرامات علی: از دیگر شاگردان مکتب دهلوی که در کتاب مکاشفات الرحمة، وهابیت را جریانی «متعصب» توصیف کرده است.<sup>۳</sup>

حاج شریعت‌الله: بنیان‌گذار نهضت «فرائضی» که نویسندگان تأکید می‌کنند هرچند در برخی مباحث با وهابیت شباهت‌هایی داشت، اما به دلیل پایبندی به طریقت صوفیه و تمرکز بر مبارزه با رسوم نادرست (و نه تخریب ساختارهای مذهبی)، از وهابیت متمایز بوده است.<sup>۴</sup>

منازعات علمی در هند: در نهایت، گزارش نویسندگان نشان‌دهنده گستره جدل‌های فکری و قلمی در محیط اسلامی هند است که بر اثر تأثیرپذیری برخی از حجاج و علما از اندیشه‌های وهابی پدید آمده بود. در این زمینه به آثاری، همچون أشد الجهاد في إبطال دعوى الاجتهاد اثر داوود بن جرجیس و صيانة الإنسان عن وسوسة الشيخ دحلان اثر بشیر سهسوانی اشاره شده است. همچنین از علمایی، چون عماد علی، صدیق حسن خان و خالد احمد، نام برده شده است که طی طیفی از نقد تا دفاع، در این منازعات فکری حضور داشتند.<sup>۵</sup>

۱. ص ۹۱-۹۰.

۲. ص ۹۱.

۳. ص ۹۲.

۴. ص ۹۲.

۵. ص ۹۳-۹۰.

## فصل پنجم: «الرهانات العقائدية»<sup>۱</sup>

فصل پنجم کتاب با عنوان «الرهانات العقائدية»، به کالبدشکافی چالش‌های اعتقادی وهابیت در سه محور اصلی «توحید و احکام تعبد»، «اجتهاد و تقلید» و «مسئله تکفیر» می‌پردازد. نویسندگان در مقدمه، با تحلیل آثار کلیدی محمد بن عبدالوهاب، از جمله التوحید، کشف الشبهات و القواعد الأربع، بر ویژگی موجز و ابهام‌آلود نگارش وی تأکید می‌کنند؛ امری که موجب تولید حجم گسترده‌ای از شروح برای تبیین مقاصد مبهم وی شده است. مؤلفان ریشه پیدایش این جریان را ناشی از فقدان مرجعیت متمرکز و استناد به روایات ضعیف در باب نجات‌یابی یک فرقه خاص می‌دانند.<sup>۲</sup>

در قسمت نخست، با عنوان «التوحید و احکام التعبد»<sup>۳</sup> پژوهشگران ضمن معرفی «توحید» به عنوان نقطه اشتراک مسلمانان، به واکاوی چهارچوب فکری وهابیت می‌پردازند. آن‌ها ریشه بحران در مفهوم توحید را در «اختلاط روشی» ابن تیمیه می‌بینند که الگوی اصلی محمد بن عبدالوهاب بوده است؛ رویکردی که در آن تعارض میان عقل و نقل به وجود آمده است. نویسندگان تبیین می‌کنند که وهابیت با بسط ناپخته تقسیم‌بندی ابن تیمیه (توحید ربوبی و الوهی) و افزودن «توحید اسماء و صفات»، به الگویی دست یافته است که از نظر پژوهشگران، نه با مکاتب کلامی شناخته‌شده (معتزله و اشاعره) سازگاری دارد و نه نظریه‌ای مستقل و منسجم ارائه می‌دهد.<sup>۴</sup>

در ادامه، گزارش به بررسی مبحث «احکام تعبد» می‌پردازد؛ جایی که نویسندگان تفاوت میان «توحید» و مفهوم «عبادت» را تبیین می‌کنند. از نظر آن‌ها، وهابیت با تفسیر افراطی از معنای عبادت، بسیاری از اعمال عادی و حتی غیرارادی را مصداق شرک قلمداد کرده است. این رویکرد، منجر به استفاده از مفاهیمی چون «طاغوت» برای تکفیر عالمان و صالحان شده است و در نهایت تنها خود و پیروانشان را مسلمان واقعی

۱. ص ۹۵-۱۲۲.

۲. ص ۹۶-۹۵.

۳. توحید و احکام عبادت.

۴. ص ۱۰۱.

می‌دانند.<sup>۱</sup> در مسیر ابطال این دیدگاه‌ها، با مقایسه آرای نویسندگان هم‌عصر (مانند سید علوی حضرمی و زینی دحلان) با آرای منتقدان تندتر (مانند محمد بن عفالق)، مشخص می‌شود که ریشه اصلی تکفیر همگانی در این جریان، عدم تمایز میان «شرک در عبادت» و «شرک به خدا» و خلط میان خطای مسلمانان با شرک صریح مشرکان است.<sup>۲</sup>

نویسندگان در ادامه، با طرح سه پرسش بنیادین درباره مسئله «واسطه‌گری در عبادت»، به نقد دقیق مصادیق عملی دیدگاه‌های محمد بن عبدالوهاب می‌پردازند.<sup>۳</sup> آن‌ها در بررسی موضوعاتی، چون «ساخت بنا و زیارت قبور»، با تفکیک دیدگاه‌های اهل سنت، بر این نکته تأکید می‌کنند که برخلاف رویکرد تند وهابیت، حتی مخالفان ساخت بنا بر قبور نیز هرگز حکم به تخریب آن نداده‌اند. همچنین، با استناد به ردیه‌های علمای اهل سنت، ادعای وهابیت مبنی بر شرک‌آلود بودن اعمالی چون توسل، شفاعت، دعا و تبرک را ابطال می‌کنند. این نقد در مورد «احتفال به مولد النبی ﷺ» نیز جاری است؛ جایی که نویسندگان با اتخاذ رویکرد میانه‌رو، حرمت این مراسم را رد می‌کنند. علاوه بر این، نویسندگان با تبیین جایگاه رفیع اولیا در قرآن و سنت، مواضع منفی بن عبدالوهاب نسبت به صالحان را نقد می‌کنند و با تعریف دقیق مفاهیمی، چون «نذر» و «ذبح»، ابهام و خلط مبحث در نگاه وهابیت را آشکار می‌سازند.<sup>۴</sup>

در قسمت دوم فصل پنجم، پژوهشگران به بررسی دومین ابهام اصلی اندیشه وهابیت، یعنی مسئله «اجتهاد و تقلید» می‌پردازند. نویسندگان با انتقاد از موضع مبهم محمد بن عبدالوهاب در قبال حدود و ثغور اجتهاد، معتقدند عدم پایبندی او به یکی از مذاهب چهارگانه یا اقتدا به سلف صالح، موجب بروز تناقضات فکری شده است. این تشتت در دیدگاه، از خود او به پیروانش نیز سرایت کرده است؛ چنان‌که درحالی‌که عبدالله بن عبدالوهاب ادعای اجتهاد مطلق را رد می‌کند، فرزندش سلیمان بن عبدالله با تأکید بر

۱. ص ۱۰۲.

۲. ص ۱۰۸.

۳. ص ۱۰۵.

۴. ص ۱۰۸-۱۰۵.

«مجدد بودن نسل خود»، تصویری متناقض ارائه می‌دهد.<sup>۱</sup>

در قسمت سوم از این فصل، نویسندگان با عنوان «الاجتهاد بدون استیفاء الشروط» یعنی اجتهاد بدون استیفاء شرایط، به بررسی انتقادی جایگاه علمی محمد بن عبد الوهاب می‌پردازند. آن‌ها با استناد به آرای چهره‌های برجسته‌ای، نظیر سلیمان بن عبد الوهاب، السویدی، طنطاوی و ابن جرجیس، تأکید می‌کنند که وی فاقد صلاحیت‌های لازم برای اجتهاد و دارای درکی سطحی از آیات و روایات بوده است.<sup>۲</sup> این بحث به موضوع «تکفیر و تکفیر متقابل» پیوند می‌خورد؛ جایی که نویسندگان نشان می‌دهند محمد بن عبد الوهاب علی‌رغم ادعای نفی تکفیر، در عمل دایره تکفیر خود را تا حد مرتد خواندن مخالفان گسترش داده است. از نظر پژوهشگران، برداشت افراطی از آموزه «ولاء و براء» در وهابیت، ریشه فکری جریان‌های تکفیری معاصر (مانند القاعده) است.<sup>۳</sup>

در نهایت، نویسندگان با یک نقد آسیب‌شناسانه هشدار می‌دهند که تطبیق نادرست آیات مربوط به مشرکان صدر اسلام بر مسلمانان، فضای علمی جهان اسلام را به سمتی سوق داده است که جریان‌های سنتی نیز ناگزیر شده‌اند با استفاده از سلاح «تکفیر در برابر تکفیر» به مقابله بپردازند؛ وضعیتی که نویسندگان آن را پاسخی ناکارآمد و فرسایشی برای فقه سنتی در برابر افراط‌گرایی می‌دانند.<sup>۴</sup>

## القسم الثاني<sup>۵</sup>

بخش دوم کتاب به مواجهه علمای شمال آفریقا با وهابیت می‌پردازد. این بخش شامل سه قسمت است: نوشته‌های محمد بن عبد الوهاب، ردیه‌های علمای تونس و ردیه‌های علمای مغرب. در بخش نخست، دو نوشته از محمد بن عبد الوهاب با عناوین «ورقة الوهابی الواردة من المشرق» و «هذه رسالة محمد بن عبد الوهاب الوهابی الخارجی» ارائه

۱. ص ۱۱۱-۱۰۸.

۲. ص ۱۱۳-۱۱۱.

۳. ص ۱۱۸-۱۱۴.

۴. ص ۱۲۲-۱۱۸.

۵. ص ۳۲۹-۱۲۳.

شده است که به سرزمین‌های اسلامی آفریقا ارسال شده بودند. در کنار این دو متن، ردیه‌های مهمی از علمای تونس (مانند آثار ابی حفص عمر بن قاسم المحجوب و اسماعیل تمیمی) و علمای مغرب (ازجمله رساله‌های «ردّ علی مذهب الوهابیین»، «فی الردّ علی مبتدعة أهل البدو و ناحية المشرق»، «رسالة المولى سليمان إلى سعود بن عبدالعزيز» و منظومه «هذه القصيدة للحاذق اللبيب اللوذعي») گردآوری شده است. این مجموعه، نمایانگر مواجهه علمی و انتقادی علمای برجسته شمال آفریقا با جریان فکری وهابیت و پاسخ‌گویی مستند آنان به این اندیشه‌هاست.

### «ورقة الوهابی الواردة من المشرق»

این رساله دوصفحه‌ای از نوشته‌های منسوب به محمد بن عبدالوهاب است که علمای تونس و مغرب آن را با همین عنوان در کتابخانه‌های خود حفظ کرده‌اند. در این متن، ابن عبدالوهاب با استناد به آیات قرآن و احادیث، بر دعوت به اسلام، پیروی از سنت، پرهیز از شرک و مخالفت با تفرقه تأکید می‌کند؛ اما در ادامه، بسیاری از رفتارهای رایج مسلمانان را بدعت و شرک می‌خواند و سرانجام با لحنی تند، بر لزوم مقابله و قتال با مخالفان غیرتوبه‌کار تأکید می‌ورزد.<sup>۱</sup>

### «هذه رسالة محمد بن عبدالوهاب الوهابی الخارجی او كشف الشبهات»

این نوشته حدود بیست صفحه دارد و از آثار معروف محمد بن عبدالوهاب است که در تونس و مغرب با عنوان یادشده شناخته می‌شود. موضوع آن تبیین توحید و شرک،<sup>۲</sup> ایمان و کفر،<sup>۳</sup> شفاعت<sup>۴</sup> و استغاثه<sup>۵</sup> است. ابن عبدالوهاب در این رساله، با تفسیر خاص خود از قرآن، توسل و شفاعت به اولیا و صالحان را شرک می‌داند و مسلمانان معاصر را به سبب این اعمال، مشابه مشرکان صدر اسلام معرفی می‌کند. او در پایان نیز تلاش می‌کند به

۱. ص ۱۳۰-۱۲۵.

۲. ص ۱۳۱.

۳. ص ۱۴۱، ۱۳۸.

۴. ص ۱۳۷.

۵. ص ۱۴۵.

پرسش‌ها و اعتراض‌ها نسبت به دیدگاه‌های خود پاسخ دهد.<sup>۱</sup>

### «رسالة في الرد على الوهابي لابي حفص عمر بن قاسم المحجوب»

این رساله از آثار برجسته قاضی ابوحفص عمر بن قاسم المحجوب، فقیه مالکی تونس، است که در پاسخ به گسترش اندیشه‌های وهابیت در شبه‌جزیره عربستان نگاشته شده است. نویسنده در این اثر، پس از مقدمه‌ای ادبی، ابتدا دیدگاه‌های محمد بن عبدالوهاب را نقل می‌کند و سپس با استفاده از استدلال‌های منطقی و استناد به آیات و روایات، آن‌ها را به تفصیل نقد و رد می‌کند. وی با تکیه بر مبانی اهل سنت و مکتب مالکی، ضمن هشدار نسبت به انحرافات وهابیت، در بخشی از متن با لحنی نصیحت‌آمیز و گلایه‌آمیز، بر لزوم بازگشت به سنت تأکید می‌ورزد.<sup>۲</sup>

### «المنح الإلهية في طمس الضلالة الوهابية»<sup>۳</sup>

این رساله از اسماعیل التیمی، فقیه برجسته مالکی تونس در قرن دوازدهم هجری، از نخستین ردیه‌های جدی اهل سنت بر وهابیت است. التیمی در این اثر، با تکیه بر قرآن، سنت و اجماع، آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب را نقد می‌کند و تکفیر زائران قبور انبیا و اولیا را مردود می‌داند. او همچنین برخی دیدگاه‌های ابن تیمیه و وهابیان را در مسائل اعتقادی و فقهی به چالش می‌کشد. رساله در سه بخش و یک خاتمه تنظیم شده است: در بخش نخست معنای عبادت، در بخش دوم نادرستی قیاس و استدلال وهابیان، در بخش سوم نکات تکمیلی، و در خاتمه نیز حکم متأخران این فرقه و امکان بازگشت آنان از گمراهی بررسی می‌شود. این اثر از منابع مهم در نقد علمی وهابیت و نشان‌دهنده موضع علمای اهل سنت در برابر آن است.<sup>۴</sup>

۱. ص ۱۴۷-۱۳۱.

۲. ص ۱۶۸-۱۴۹.

۳. «افاضات الهی در امحای گمراهی وهابیت»

۴. ص ۲۷۰-۱۶۹.

## ردیه‌های علمای مغرب (الردود المغربیه)

در این بخش، نویسندگان مجموعه‌ای از ردیه‌های علمای مغرب بر اندیشه‌های وهابیت را گردآوری کرده‌اند که شامل سه رساله در ردّ شبهات و یک منظومه انتقادی است. این آثار به شرح زیر می‌باشند:

### رساله «رد علی مذهب الوهابیین»<sup>۱</sup>

محمد الطیب بن عبدالمجید بن کیران (۱۷۵۸-۱۸۱۲م)، از علمای برجسته مالکی مغرب، به دستور سلطان علوی مراکش، مولای سلیمان، در پاسخ به آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب این رساله را نگاشت. او در این اثر، ایمان را مرکب از معرفت، تصدیق قلبی و عمل می‌داند و دیدگاه کرامیه و نیز تلقی وهابیان از ایمان و کفر را نقد می‌کند. ابن کیران همچنین توسل، شفاعت، زیارت و تبرک را از مصادیق مشروع دینداری می‌شمارد و شرک دانستن آن‌ها را بی‌اساس می‌داند. وی نذر، قربانی، ساخت بنا بر قبور اولیا و روشن کردن چراغ در آن‌ها را نیز جایز می‌داند و با استناد به حدیث و اقوال علمای اهل سنت، حیات برزخی پیامبران را اثبات می‌کند. در نوشته‌ای کوتاه‌تر نیز، با هشدار نسبت به خطر تکفیر اهل قبله و فتنه وهابیت در حجاز، به نقد فشرده مباحث «القواعد الأربع» می‌پردازد. در مجموع، آثار ابن کیران دفاعی مستدل از مبانی سنتی اسلام و نقدی صریح بر اندیشه‌های وهابی است.<sup>۲</sup>

### رساله «فی الرد علی مبتدعة أهل البدو وناحية المشرق»<sup>۳</sup>

این رساله، از آثار مهم مغربی در نقد وهابیت، در قرن سیزدهم هجری قمری (۱۸۱۱م) به قلم یکی از علمای گمنام مغرب نوشته شده است و در واکنش به گسترش آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب در نجد و حجاز، با هدف دفاع از عقاید اهل سنت و جماعت تألیف شده است. نویسنده با استناد به قرآن، حدیث و آرای علمای بزرگ، دیدگاه‌هایی چون انکار توسل،

۱. رساله‌ای بر رد مذهب وهابی‌ها.

۲. ص ۳۰۶-۲۷۱.

۳. «رساله‌ای در ردّ بدعت‌گذاران اهل بدو و ناحیه شرقی جزیره العرب».

بدعت‌انگاری زیارت قبور، تکفیر گسترده مسلمانان و مخالفت با تصوف را رد می‌کند و نشان می‌دهد که بسیاری از این امور، در سنت اعتقادی مسلمانان و نزد سلف صالح پذیرفته شده بوده‌اند. محورهای اصلی رساله نیز شامل ردّ تفسیر افراطی از توحید و شرک، اثبات جواز توسل و شفاعت، مشروعیت زیارت قبور انبیا و اولیا، حرمت تکفیر بی‌دلیل، و دفاع از تصوف سنی در چارچوب شریعت است. این اثر که به‌صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های مغرب موجود است و نسخه‌ای از آن نیز در تونس در سال ۱۳۲۷ق چاپ شده است، از اسناد مهم برای شناخت واکنش علمای مغرب به وهابیت و نقد عالمانه آن به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

### رساله «المولی سلیمان إلی سعود بن عبدالعزیز من تدبیج الطیب بن کیران»<sup>۲</sup>

این رساله (۱۲۲۶ق) پاسخی دیپلماتیک از سوی سلطان مراکش، مولای سلیمان، به امیر نجد، سعود بن عبدالعزیز است. لحن نامه، ملایم و محترمانه بوده و بر مشروعیت مناسک سنتی مانند توسل، شفاعت و زیارت قبور تأکید دارد، این اعمال را ارادت به اولیای الهی دانسته و تکفیر مسلمانان را عامل تفرقه و خونریزی معرفی می‌کند. سلطان همچنین از جایگاه صوفیه دفاع می‌کند و خواستار وحدت و اعتدال در امت اسلامی می‌شود.<sup>۳</sup>

### «هذه القصيدة للحاذق اللیب اللوذعی»<sup>۴</sup>

این قصیده ۳۲۰ بیتی اثر شیخ حمدون بن الحاج الفاسی، از زبان سلطان مراکش، مولای سلیمان، به سعود بن عبدالعزیز سروده شده است. شاعر با زبانی فاخر و شیوا، ضمن دفاع از عقاید اهل سنت و رد اتهام شرک وهابیت بر توسل و زیارت قبور، از امیر نجد می‌خواهد که از تفرقه‌افکنی و تکفیر پرهیز کرده و به وحدت امت احترام بگذارد. این اثر، تلفیقی از ادب، سیاست و عقیده است.<sup>۵</sup>

۱. ص ۳۱۵-۳۰۷.

۲. «نامه مولی سلیمان خطاب به سعود بن عبدالعزیز، به قلم طیب بن کیران».

۳. ص ۳۲۱-۳۱۶.

۴. «این قصیده از آن شاعری کارآزموده، خردمند و بسیار زیرک است.»

۵. ص ۳۲۹-۳۲۲.